

بسم الله الرحمن الرحيم

جزای مرد زناکار محصن (متأهل) در اسلام

(ترجمه)

پرسش:

السلام علیکم ورحمت الله و برکاته!

جناب امیر صاحب! راجع به جزای مرگ برای محصن زناکار، آیا به راستی در فقه اسلامی چنین چیزی قطعی ثابت شده است؟ بعضی علماء مانند شیخ ابوزهره استند که این مسئله را من حیث حدود جزا دسته بندی نکرده اند. حتی توسط شیخ مصطفی زرقا بیان شده که این مسئله در جمع مجازات تعزیر دسته بندی می شود. شما در این مسئله چه فکر می کنید؟

پاسخ:

وعلیکم السلام ورحمت الله و برکاته!

شما از جزای مرد محصن (متأهل) سوال نمودید که آیا این مسأله در فقه اسلامی قطعی است و یا خیر؟ آیا این مسأله از جمله حدود به حساب می آید و یا از جمله تعزیرات؟ چنانچه بعضی علماء معاصر جزای فعل زنا را از جمله تعزیرات می شمارند؛ پاسخ سوال شما قرار ذیل است:

جزای مرد زنا کار محصن (متأهل) رجم تا لحظه مرگ است و این مسأله از جمله احکام به شمار می رود، نه از جمله مسائل عقیدوی. پس این مسأله مانند دیگر احکام شرعی بوده، لازم نیست که دلیل آن قطعی باشد؛ بلکه ظن غالب برای فرضیت آن کفایت می کند، چنانچه اثبات احکام شرعی توسط دلائل ظنی اصلی از اصول فقهی است. لذا این که دلیل قطعی باشد و یا غیرقطعی در این مسأله هیچ تأثیری ندارد، بلکه لازم است که دلیل حکم از شریعت ثابت شود. دلائل صحیح بسیاری آمده که این حکم را به اثبات رسانده، جای برای شک نمی گذارد و ثابت می سازد که جزای مرد زناکار محصن (متأهل) رجم است؛ چنانچه این دلائل در ذیل ذکر شده است.

طوری به نظر می رسد که بعضی از علماء در این زمان در اخذ احکام شرعی منهج و راه درست و اصولی را نمی گیرند و زمانی که می خواهند حکم شرعی را اخذ نمایند، تلاش می کنند که حکم شرعی را با زمان و نظریاتی هماهنگ بسازند که این نظریات فعلاً در جهان حاکم است؛ نظریاتی که فرهنگ غرب آن ها را تحت عنوان قوانین بین المللی و توافق نامه های حقوق بشری بالای مردم حاکم و تحمیل نموده است، که این روش و طریقه برای اخذ و استنباط احکام شرعی کاملاً غلط است؛ زیرا هدف از اخذ حکم، حکم الله سبحانه و تعالی است؛ نه حکمی که با آراء و نظریات و توافق نامه های بین المللی موافقت داشته باشد و واجب شرعی هم

همین یافتن حکم شرعی از مرجع و دلائل شرعی سپس قرار دادن آن در منصفه تطبیق و تنفیذ بوده، واجب است که دعوت در جهان به سوی اسلام و احکامی باشد که به طریقه شرعی آن از شریعت اخذ و استنباط شده باشد. یقیناً حکمی که به طریقه شرعی آن استنباط گردد، حکمی است که پاسخ‌گوی همه بشریت بوده، زیرا همین حکمی بوده که از نزد خالق بشر و خالق جهانیان آمده است، خالق که از احوال مخلوقات اش کاملاً آگاه است.

﴿أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ [ملک: ۱۴]

ترجمه: مگر کسی که (مردمان را) می‌آفریند (حال و وضع ایشان را) نمی‌داند و حال این که او دقیق و باریک‌بین بس آگاهی است.

﴿أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ [اعراف: ۵۴]

ترجمه: آگاه باشید که تنها او می‌آفریند و تنها او فرمان می‌دهد. بزرگوار و جاویدان و دارای خیرات فراوان، خالق است که پروردگار جهانیان است.

بنابراین نیست که به گفته چینی‌های غربی که در تلاش اند تا در استنباط احکام شرعی خود را با فرهنگ غربی هم‌آهنگ ساخته اند، عمل شود؛ فرقی نمی‌کند که این علماء به خاطر فشارهای وارده چینی‌های غربی را مرتکب شوند و یا به خاطر راضی نمودن کفار غربی؛ پیروی در هر دو حالت از چینی‌های غلط است.

جزای زنا برای مرد و زن محصن (متأهل) رجم است و برای غیر محصن (غیرمتأهل) صد تازیانه می‌باشد و این جزا شامل حدود اسلامی است. ما احکام حد زنا را در کتاب "نظام عقوبات" به صورت مفصل بیان کردیم که در این جا بعضی مواردی که در مورد حد زنا در کتاب مذکور آمده است ذکر می‌کنیم:

«بعضی علماء به این نظر اند که حد زنا در مورد زن زانیه و مرد زانی خواه محصن (متأهل) باشد و خواه غیر محصن (مجرد) صد تازیانه است و فرقی بین این دو نیست؛ زیرا الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿الزانية والزاني فاجلدوا كل واحد منهما مائة جلدة ولا تأخذكم بهما رأفة في دين الله﴾ [نور: ۲]

ترجمه: هر يك از زن و مرد زناكار (مؤمن، بالغ، حرّ و ازدواج ناكرده) را صد تازیانه بزنید و در (اجرا قوانین) دین الله (سبحانه و تعالی) رأفت (و رحمت كاذب) نسبت بدیشان نداشته باشید.

و این علماء گفتند ترك كتاب الله سبحانه و تعالی که قطعی و یقینی است، به وسیله خبر احد جائز نیست؛ اخبار احادی که امکان کذب در آنها متصور است. دیگر این که با چینی‌های عمل‌کردی، كتاب الله سبحانه و تعالی توسط سنت منسوخ می‌شود که چینی‌های عملی جائز نیست، اما عموم اهل علم صحابه، تابعین و بعد از تابعین از علمای جهان در تمام زمان‌ها گفتند که زنان و مردان

غیرمحسن (مجرد) صد تازیانه زده شوند و زنان و مردان محسن (متأهل) رجم شوند تا بمیرند؛ زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم "ماعز" را رجم کرد و هم‌چنان از جابر بن عبدالله روایت شده است: «مردی با زنی زنا کرده بود و رسول الله صلی الله علیه وسلم دستور تازیانه را داد و تازیانه زده شد، سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر داده شد که این مرد محسن (متأهل) است رسول الله صلی الله علیه وسلم امر کرد که آن مرد رجم شود و رجم شد.»

کسی که در دلائل وارده در این خصوص دقت کند، می‌بیند که این قول الله سبحانه و تعالی:

﴿الزانية والزاني فاجلدوا كل واحد منهما مائة جلدة﴾

ترجمه: هر يك از زن و مرد زناكار (مؤمن، بالغ، حرّ و ازدواج ناکرده) را صد تازیانه بزنید.

این آیه عام است، زیرا کلمه "زانیه" و "زانی" از الفاظ عمومی است که شامل مرد و زن متأهل و غیرمتأهل می‌شوند، اما زمانی که حدیث یعنی این فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم:

«واغد يا أنيس إلى امرأة هذا فإن اعترفت فارجمها»

ترجمه: ای انیس به سوی آن زن برو اگر به فعل زنا اعتراف کرد، رجم کن!

این حدیث ثابت کرد که رسول الله صلی الله علیه وسلم "ماعز" را رجم کرد؛ البته بعد از آن که از محسن (متأهل) بودن ماعز معلومات گرفت و هم‌چنان "غامیدیه" را رجم کرد. به همین ترتیب دیگر احادیث صحیح بیان‌گر این مطلب بوده و معلوم می‌شود که این احادیث آیه مبارکه فوق را که عام بوده و در مورد مجرد آمده، تخصیص داده و شخص محسن (متأهل) را استثنا نموده است. بنابر واضح شد که احادیث این آیه مبارکه را منسوخ ناساخته؛ بلکه تخصیص داده است و تخصیص قرآن توسط سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم جائز بوده و این اصلی است که در بسیاری از آیات قرآن نزد علماء پذیرفته شده است.

حکم شرعی که دلائل شرعی از کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم بر آن دلالت دارد، این است که جزای فعل زنا در مورد غیرمحسن (مجرد) صد تازیانه به اساس کتاب الله و تبعید مدت یک سال به دلیل سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌باشد، مگر مسأله‌ای تبعید یک امر جائز و برای حاکم اختیاری است، اگر حاکم خواست ضمن این که زانی غیرمحسن (مجرد) را تازیانه می‌زند، مدت یک سال تبعید اش کند و اگر نخواست تنها بر تازیانه اکتفاء می‌کند، اما حاکم نمی‌تواند که تبعید و تازیانه هر دو را ترک کند؛ زیرا جزای فعل زنا در مورد شخص غیر محسن (مجرد) تازیانه است، اما جزای فعل مرد و زن زنا کار محسن (متأهل) رجم است. مرد و زن محسن (متأهل) اولاً تازیانه زده شود؛ سپس رجم شود و جائز است که تنها بر رجم آن اکتفاء گردد؛ اما جائز نیست که تنها بر تازیانه اکتفاء شود، زیرا جزای زنا در مورد شخص محسن (متأهل) رجم است.

اما دلیل جزای شخص محسن (متأهل) در این زمینه احادیث بسیاری است. از ابوهریره و زید ابن خالد رضی الله عنهما روایت است که مردی از اعراب نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: ای رسول الله! ترا به الله قسم که حکم کتاب الله سبحانه و تعالی

را بالای من جاری کن! طرف خصم آن که از آن داناتر بود، گفت: بلی، من هم موافق هستم و بین ما کتاب الله سبحانه و تعالی را جاری کن و برای من اجازه بدهید تا موضوع را بیان کنم. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: بگو، شخص گفت: پسرم اجیر این شخص است که با زنش زنا کرده است و من اطلاع حاصل نمودم که بالای پسرم رجم است و رجم آن را در برابر صد گوسفند و یک دختر خریداری نمودم؛ اما وقتی اهل علم را سوال کردم، گفتند بالای پسرم صد تازیانه و تبعید یک سال می باشد و بالای زن رجم است؛ پس رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت:

«والذي نفسي بيده لأقضي بينكما بكتاب الله، الوليدة والغنم ردّ، وعلى ابنك جلد مائة، وتغريب عام، واغدأ يا أنيس - لرجل من أسلم - إلى امرأة هذا فإن اعترفت فارجمها، قال: فغدا عليها فاعترفت فأمر رسول الله e فرجمت»

ترجمه: قسم به آن ذاتی که جان من در دست اوست، در بین شما به اساس کتاب الله (سبحانه و تعالی) داوری می کنم، دختر و گوسفند رد است، بالای پسر تو صد تازیانه و تبعید یک سال می باشد، یا "انیس" فردا صبح نزد همان زن برو، اگر به فعل زنا اعتراف کرد، حکم رجم را بالای آن جاری کن! "انیس" نزد آن زن رفت و زن به زنا اعتراف کرد، رسول الله صلی الله علیه وسلم به رجم امر کرد و زن رجم شد.

با توجه به این روایات، معلوم می شود که رسول الله صلی الله علیه وسلم شخص محصن (متأهل) را رجم نموده و تازیانه نزده است. هم چنان از شعبی روایت شده است که حضرت علی رضی الله عنه زنی را در روز پنجشنبه تازیانه زد و در روز جمعه رجم کرد و گفت تازیانه به اساس حکم کتاب الله سبحانه و تعالی بوده و رجم آن به اساس سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم است. از عباد ابن صامت رضی الله عنه روایت است که گفت:

«خذوا عني، خذوا عني، قد جعل الله لهن سبيلاً البكر بالبكر جلد مائة ونفي سنة، والثيب بالثيب جلد مائة والرجم»

ترجمه: از من بگیرید، از من بگیرید! الله (سبحانه و تعالی) در مورد زنان راه نشان داده است؛ زنی بکر با بکر صد تازیانه و تبعید یک سال است و زنی متأهل با متأهل صد تازیانه و رجم است.

بنأ جزای زناى مرد و زن محصن (متأهل) تازیانه و رجم است، چنانچه حضرت علی رضی الله عنه چنین کرد. از حضرت جابر بن سمره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم معز بن مالک را رجم کرد و تازیانه را ذکر نکرد و در بخاری از سلیمان بن بریده روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم "غامدیه" را رجم کرد، ولی مسأله ای تازیانه را ذکر نکرد، پس این روایات دلالت دارند که رسول الله صلی الله علیه وسلم محصن (مجرد) را رجم کرده اما تازیانه نزده است و این که فرموده است:

«الثيب بالثيب جلد مائة والرجم»

ترجمه: و زناى متأهل با متأهل صد تازیانه و رجم است.

به معنی این که بالای زانی و زانیة محصن (متأهل) رجم واجب است؛ اما تازیانه جائز است و نظر به رأی و عمل کرد خلیفه می‌تواند که تازیانه ترک شود. به این ترتیب بین رجم و تازیانه در احادیث جمع می‌شود. پس نمی‌توان گفت که حدیث سمره که "ماعز" تازیانه زده نشده ناسخ حدیث عبادة ابن صامت است، روایت ابن صامت که ثابت کننده تازیانه علاوه بر رجم می‌باشد. این مطلب گفته نشود، زیرا ثابت نشده است که حدیث "ماعز" از حدیث عبادة متأخر است، با وجود عدم ثبوت تأخر این حدیث ترک تازیانه فهمیده نمی‌شود و نمی‌توان ناسخ حکم آن گردد. پس هر دو حدیث در حکم شان با قوت شان باقی هستند و هیچ دلیل ترجیحی نیز در بین این دو حدیث دیده نمی‌شود و آنچه که در این حدیث علاوه بر رجم در مورد تازیانه آمده است، جواز تازیانه را می‌رساند، نه وجوب آن را؛ زیرا در این مسأله واجب رجم است و در مورد تازیانه محصن حاکم خودش اختیار دارد که علاوه بر رجم تازیانه بزند و یا ترک کند، بدین شیوه بین این دو حدیث جمع می‌شود.

خلاصه این که جزای مرد و زن زانی و زانیه رجم تا حالت مرگ است که در این مورد دلائل صحیح بسیاری از سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم در صحیحین و دیگر کتب حدیث آمده است و جزای فعل زنا شامل احکام حدود می‌باشد؛ نه از جمله تعزیرات. الله سبحانه و تعالی در همه امور عالم‌تر و آگاه‌تر است.

برادر تان عطاء ابن خلیل ابوالرشته

۱۲ محرم ۱۴۴۱ هـ.ق

۱۱ نوامبر ۲۰۱۹ م

مترجم: مصطفی اسلام